متاسفانه امروزه بسیاری از ایمانداران کلام خداوند را آن گونه که شایسته است مورد مطالعه قرار نمی‌دهند و گزینشی عمل نموده، به سراغ بخش‌هایی که برایشان چالش برانگیز است نمی‌روند.

گزینشی برخورد نمودن با متون کتاب مقدس یا به عبارتی چشم پوشی کردن از برخی متون باعث می‌شود به صورت ناخودآگاه خدایی را در ذهنمان بپرورانیم که در کتاب مقدس وجود ندارد. این موضوع بر شناخت ما از خدای واقعی تاثیر گذاشته و باعث انحراف الهیات ما از مسیر صحیح آن می‌گردد. این سرآغاز شکل گیری بدعت در الاهیات ما است که با گذر زمان این بدعت رشد کرده و تمامی ابعاد زندگیمان را تحت تاثیر قرار می‌دهد تا جایی که در نهایت به صورت ناخودآگاه بر دیگر اعضای بدن خداوند تاثیر گذاشته، آن را وارد کلیسای خداوند می‌کنیم.

اگر به دنبال شناخت خدای حقیقی در کتاب مقدس هستیم باید تمام متون موجود در کتاب مقدس را مطالعه کنیم. در این صورت قادر خواهیم بود تفاوت‌های میان خدای خودساخته ذهنمان را با خدای حقیقی متوجه شده و این خدای دروغین را از ذهن و زندگیمان بزداییم.

زمانی که کلام خداوند را مطالعه می‌کنیم با موضوعاتی مواجه می‌شویم که یا درکشان دشوار است و یا اجرایشان در زندگی شخصیمان سخت است. در مورد متونی که درکشان دشوار است نباید انتظار زیادی از خود داشته باشیم ولی در مورد متونی که انجامشان سخت است باید با جدیت بیشتری عمل کنیم. عملی شدن تعالیم کتاب مقدسی در زندگی شخصی یک ایماندار از اهمیت بالایی برخوردار است. ما به عنوان ایمانداران و فرزندان خدای زنده باید به گونه‌ای متفاوت با کلام خداوند برخورد کنیم. پس از مطالعه متنی در کتاب مقدس و درک حقیقت نهفته شده در آن، این موضوع باید در زندگی شخصی و به تبع آن در روابط اجتماعی ما نمود عملی پیدا کند.

در مقاله پیش رو قصد داریم جهان بینی خود را با توجه به کولسیان ۳: ۱-۳ گسترش دهیم و در این مسیر به بررسی قسمتهای دیگری از کتاب مقدس نیز خواهیم پرداخت.

کولسیان ۳: ۱-۳

**«و چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در بالاست بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشسته. در آنچه بالا است تفکر کنید، نه در آنچه بر زمین است. زیرا که مردید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است.»**

پولس در این متن از مخاطبین خود می‌خواهد که آنچه در بالا است را بطلبند و در آنچه در بالا است تفکر نمایند.

پولس رسول در رساله خود به قرنتیان دنیای ما انسان‌ها را به دو بخش اصلی تقسیم می‌کند؛ دنیای دیدنی و دنیای نادیدنی.

دوم قرنتیان ۴: ۱۸

**«در حالی که ما نظر نمی‌کنیم به چیز‌های دیدنی، بلکه به چیزهای نادیدنی، زیرا که آنچه دیدنی است، زمانی است و آنچه نادیدنی جاودانی.»**

بر اساس کلام خداوند دنیایی که ما قادر به دیدنش هستیم و در آن زندگی می‌کنیم برای مدتی محدود است و سپس از بین خواهد رفت ولی دنیایی که اکنون برایمان قابل رویت نیست به هیچ وجه محدود به زمان نبوده و از بین هم نخواهد رفت. بنابراین ما در کولسیان ۳ ترغیب به طلبیدن و تفکر کردن در همان دنیای نادیدنی و غیر فانی شده‌ایم که در بالا قرار دارد و جاودانی است.

همه‌ی انسان‌ها و به خصوص ما ایمانداران در طول زندگی خود با موقیعت‌های دشوار و اتفاقات سختی روبه‌رو می‌شویم که به هیچ وجه کنترلشان در دستان ما نیست. با این حال باید بدانیم که خداوند ابزاری را در اختیار ما ایمانداران قرار داده که با استفاده از آن قادر خواهیم بود در سخت‌ترین شرایط، آرامش حقیقی را به خودمان و زندگیمان وارد کنیم. این ابزار همان شناخت ملکوت خداوند از طریق کتاب مقدس است. اگر ملکوت آسمان را به درستی بشناسیم بلافاصله با موضوع جاودانه بودن آن مواجه می‌شویم. این جاودانگی توسط خود خداوند تضمین شده است و چون خداوند آن را تضمین کرده با تمام وجود می‌توانیم اطمینان داشته باشیم که حقیقت محض است.

در برخی از متون عهد عتیق به زبان عبری، وقتی از پادشاهی و تخت سلطنت خداوند در آسمان صحبت می‌کند، آن را به صورت جمع بیان می‌کند. در زبان عبری دو نوع کلمه‌ی جمع وجود دارد که یکی به جمع شامل ۲ چیز یا شخص (1+۱) و دیگری به بیشتر از ۲ چیز یا شخص اشاره می‌کند (۱+۱+...) که متاسفانه در دستور زبان فارسی این تفکیک وجود ندارند.

هنگام اشاره به تخت خداوند در آسمان در برخی موارد از این کلمه‌ی جمع دوتایی استفاده شده است. در آن زمان یکی از معلمان قوم یهود ایده‌ای را مبنی بر تعلق داشتن آن تخت دوم به مسیح موعود بیان نمود که این ایده توسط دیگر معلمان رد گردید. اما پولس رسول در عهد جدید و در رساله به کولسیان فصل ۳ بیان می‌کند که آن تخت دوم در برخی متون عهد عتیق، متعلق به عیسی مسیح است و به صورت مستقیم به سلطنت او اشاره می‌کند. تفاوتی که میان آن تخت در عهد عتیق و عهد جدید وجود دارد این است که عیسی مسیح در عهد جدید بر روی تختش نشسته است! عیسی مسیح به عنوان کاهن اعظم زمانی می‌توانست بر روی آن تخت بنشیند که، لباس جسم پوشیده و به زمین بیاید و بر روی صلیب رفته، بمیرد و پس از سه روز از دنیای مردگان برخیزد و به این طریق کفاره‌ی گناهان بشر را پرداخت نماید.

در انجیل یوحنا ۱۹: ۳۰ آمده است:

**«‌چون عیسی سرکه را گرفت، گفت: «تمام شد.» و سر خود را پایین آورده جان بداد.»**

"تمام شد" آخرین کلمه‌ای بود که مسیح بر روی صلیب به زبان آورد. در زبان یونانی این کلمه به معنای تمام شدن کامل به گونه‌ای که دیگر چیزی باقی نمانده باشد است. مسیح کفاره‌ی گناهان بشر را به صورت کامل بر روی صلیب پرداخت نمود و پس از آن به دست راست خدای پدر بالا برده شد تا بر روی تخت سلطنت خود بنشیند.

پولس با بیان این موضوع به ما کمک می‌کند تا کار عیسی مسیح را بهتر درک کرده اطمینان حاصل کنیم که کار پرداخت کفاره توسط عیسی مسیح به صورت کامل به انجام رسیده است و هیچ مخلوقی قادر به جدا کردن ما از این محبت خداوند نخواهد بود. زمانی که ما ایمانداران این موضوع را به درستی درک کنیم و آن را باور داشته باشیم دیگر شرایط ناگوار پیرامونمان بر ما تاثیری نخواهد داشت.

پولس در رومیان ۸: ۱۸ اینچنین بیان می‌کند:

**«زیرا یقین می‌دانم که دردهای زمان حاظر نسبت به آن جلالی که در ما ظاهر خواهد شد هیچ است.»**

پولس رسول به عبارتی می‌گوید اطمینان دارد که جفاها و دردهایی که در راه گسترش انجیل می‌بیند نسبت به آن جلال و شکوهی که خداوند برای او در ملکوت در نظر گرفته است هیچ به شمار می‌آید. برای درک بهتر این صحبت پولس باید ببینیم چه چیزهایی در ملکوت خداوند در انتظار ما ایمانداران است.

در فصل ۸ رساله به رومیان، مخاطبین پولس افرادی هستند که به خاطر ایمانشان شدیداً در جفا به سر می‌برند و پولس نه تنها به دنبال این است که به آنها الاهیات بیاموزد بلکه با تمام وجود تلاش می‌کند تا دردهایی که به خاطر جفاها بر آنها وارد شده است را التیام بخشد. او همچنین در کولسیان ۳ به دنبال این است تا نگاه ایمانداران را به طور کامل نسبت به اتفاقات پیرامونشان تغییر دهد و این ذهنیت را در آنان به وجود آورد که به جای نگاه کردن به دنیا و اتفاقات در آن، باید به آسمان نگریست.

پولس رسول از ما ایمانداران می‌خواهد به آنچه در آسمان است نگاه کنیم و در مورد آن مطالعه کنیم و آن را به عنوان ستون‌های اصلی زندگی خود قرار دهیم. زمانی که پایه‌ها‌ی زندگی خود را بر اساس ملکوت خداوند قرار دهیم، دیگر اتفاقات زمینی تاثیر چندانی بر ما ایمانداران نخواهد داشت.

عیسی مسیح در انجیل متی ۷: ۲۴ اینچنین می‌گوید:

**«پس هر که این سخنان مرا بشنود و آنها را به جا آرد، او را به مردی دانا تشبیه می‌کنم که خانه‌ی خود را بر سنگ بنا کرد.»**

عیسی مسیح شنیدن سخنانش و انجام دادن آنها در زندگی روزمره را به بنای خانه‌ای بر روی سنگ تشبیه می‌کند و شخصی که این کار را انجام دهد، انسانی دانا به شمار می‌آورد.

در رومیان ۸: ۳۸-۳۹ آمده است که:

**«زیرا یقین می‌دانم که نه مرگ و نه حیات و نه فرشتگان و نه رو‌‌‌ٔسا و نه قدرتها و نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده و نه بلندی و نه پستی و نه هیچ مخلوق دیگر، قدرت خواهد داشت که ما را از محبت خدا که در خداوند ما عیسی مسیح است جدا سازد.»**

زمانی که با این دیدگاه به زندگی نگاه کنیم به صورت اتوماتیک همه چیز دست‌خوش تغییرات اساسی خواهد شد و دیگر از وجود مشکلات دلسرد نخواهیم شد بلکه از دست‌ و‌ پنجه نرم کردن با آنها نهایت لذت را خواهیم برد. عیسی مسیح در انجیل متی ۶: ۳۳ می‌گوید که اولین هدف ما در زندگی باید طلبیدن ملکوت و عدالت خداوند باشد و مسائل زمینی توسط خود خداوند فراهم می‌شود و او بهترین‌ها را برای ما که فرزند خواندگانیم فراهم خواهد نمود.

پولس در رومیان ۸: ۲۸ می‌گوید:

**«و می‌دانیم که برای آنانی که خدا را دوست می‌دارند و بر حسب اراده‌ی او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت ایشان با هم در کار می‌باشند.»**

وقتی که با سختی‌ها مواجه می‌شویم به جای اینکه فکر کنیم خداوند ما را فراموش کرده است باید به این فکر کنیم که خداوند از مشکلات زندگی ما استفاده می‌کند تا ما را به شباهت خود در آورد و این باید شکرگزاری ما را نسبت به خداوند برانگیزاند.

ما ایمانداران باید به دنبال شناخت و دریافت دانش و حکمت خداوند باشیم.

اول قرنتیان ۳: ۱۹ می‌گوید:

**«زیرا حکمت این جهان نزد خدا جهالت است، چنانکه مکتوب است: حکما را به مکر خودشان گرفتار می‌سازم.»**

زمانی که این آیه را به خوبی درک کنیم و به دنبال حکمت و دانش خداوند باشیم، به اسطوره‌های ایمان تبدیل خواهیم شد. درست مانند افرادی همچون هنری مارتین (Henry Martyn) که با خدمات خود موجب گردید تا ما فارسی زبانان امروز قادر به مطالعه‌ی کتاب مقدس به زبان فارسی باشیم. او پس از ترک کشور خود انگلستان، به ایران آمد و زبان فارسی را آموخته، کتاب مقدس را به زبان فارسی برای ایرانیان ترجمه کرد و پس از آن در راه بازگشت به کشورش در ترکیه‌ی امروزی از بیماری تب زرد از دنیا رفت.

یکی دیگر از قهرمانان ایمان معاصر خانم دکتر هلن روزویر‌ (Helen Roseveare) است. او با توجه به داشتن مدرک تخصص در پزشکی، کشورش انگلستان را به مقصد آفریقا برای انجام خدمات مسیحی ترک می‌کند و در طول خدماتش در آفریقا در معرض جفاهای بسیاری از جمله تجاوز و شکسته شدن انگشتان دستش قرار می‌گیرد. او علیرغم تمام جفاهایی که دیده بود این آیات را همیشه در ذهن خود داشت که حکمت این جهان جهالت است و همیشه باید به آسمان نگریست و مادامی که به آسمان بنگری قادر خواهی بود موفقیت‌های دنیوی و موقت را به موفقیت‌های روحانی و دا‌ئمی تبدیل کنی. این دیدگاه باعث شد که او با وجود تمام جفاها و مشکلات پیش آمده، با قدرت به خدمت خود ادامه دهد و خدمات ارزنده‌ای را از خود به جا گذارد و ما امروز می‌توانیم از او به عنوان یک قهرمان ایمان یاد کنیم.

ما ایمانداران باید در زندگی روزمره خود به یکدیگر کمک کنیم تا بتوانیم همچون قهرمانان ایمان با نگاه به آسمان موفقیت‌ها و حتی مشکلات دنیوی را تبدیل به موفقیت‌های روحانی نماییم. باید اجازه دهیم که شناخت ملکوت خداوند قدرت انجام این کار را در ما به وجود آورد. باید با استفاده از این قدرت زندگی خود را کاملاً به عیسی مسیح بسپاریم، زیرا اوست که در دست راست خدای پدر بر تخت سلطنت خود نشسته است و دائماً برای ما شفاعت می‌کند.

بنابراین باتوجه به آیات و موضوعاتی که به آنها اشاره شد می‌توانیم دریابیم که مطالعه‌ و شناخت ملکوت خداوند از طریق کتاب مقدس، یکی از مهمترین وظایف ما ایمانداران است. انجام دادن این کار قدرتی را در اختیار ما قرار می‌دهد که با استفاده از آن می‌توانیم تغییراتی اساسی در درون خودمان و زندگیمان ایجاد کنیم تا در نهایت بیشتر به شباهت عیسی مسیح درآییم و در دنیا ثمراتی نیکو همچون قهرمانان ایمان از خود به جای گذاریم.

آمین

انستیتو کتاب مقدس پارسیان PBI.LIFE